کسب کرد.

در یک دوره‌ی تقریبا دو ساله، در فاصله‌ی ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸، دولت و مردم ژاپن به طور حیرت‌انگیزی به گسترش زیرساخت‌های ضروری، ساخت‌وساز تاسیسات جدید مدنی و ورزشی، برنامه‌ریزی و سازماندهی برای برگزاری نخستین المپیک تاریخ در یک کشور آسیایی و تقویت ورزش ملی و قهرمانی پرداختند. تدارکات و آماده‌سازی ژاپن که بی‌گمان نتیجه‌ی یک عزم و نظم ملی و اراده‌ی جمعی بود، حیرت و تحسین اعضای جامعه بین‌المللی ورزش آماتوری را به همراه داشت. بااین‌همه، بروز ناگهانی و غافلگیرکننده‌ی دومین دوره‌ی جنگ بین چین و ژاپن در سال ۱۹۳۸، در فاصله‌ی زمانی حدود یک سال قبل از بروز جنگ جهانی دوم، چاره‌ای جز کنار کشیدن از میزبانی المپیک تابستانی ۱۹۴۰ برای ژاپنی‌ها باقی نگذاشت. کناره‌گیری ژاپن از میزبانی المپیک، به‌طور رسمی در نشست کمیته‌ی بین‌المللی المپیک در شهر قاهره اعلام شد و مورد تصویب قاطع بیشتر اعضاء قرار گرفت. ژاپنی‌ها ۲۴ سال در انتظار کسب میزبانی مجدد رقابت‌های المپیک تابستانی ماندند، تا آنکه این کشور در تلاشی درازمدت و مضاعف، در سال ۱۹۶۴ موفق به برگزاری نخستین المپیک جهان در یک کشور آسیایی شود. به دنبال حذف ناگهانی و خودخواسته‌ی توکیو از میزبانی المپیک تابستانی ۱۹۴۰، در یک رأی‌گیری اضطراری و سریع، شهر هلسینکی بدون مواجهه با چالشی جدی از سوی دیگر رقبای احتمالی، موفق به کسب میزبانی این رقابت‌ها شد. به نظر می‌رسد علاوه بر کسب دومین رای بالا پس از توکیو در مرحله قبلی رای‌گیری و همچنین موقعیت خاص صلح‌طلب دولت و مردم فنلاند و وضعیت تاندازه‌ی آرام منطقه‌ی اسکاندیناوی در اروپای ملتهب از تنش‌های فزاینده‌ی سه ضلع اردوگاه آلمان و حامیانش، اروپای شرقی کمونیست و درنهایت کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی، در این گزینش تاثیر مستقیمی داشت. چنانکه گفته شد، زمان تعیین شده برای این دوره از بازی‌ها از این قرار بود: بیستم ژوییه تا چهارم آگوست ۱۹۴۰ (۲۹تیر تا ۱۳مرداد ۱۳۱۹ شمسی). بااین‌همه، در شرایطی که فنلاندی‌ها همه‌چیز از جمله جزییات انجام رقابت‌های مختلف، زمان برگزاری و حتی پوستر تبلیغاتی بازی‌ها را برای برگزاری المپیک دوازدهم تابستانی آماده کرده بودند، با حمله‌ی ناگهانی قوای آلمان هیتلری به لهستان در اول سپتامبر ۱۹۳۹ و گسترش شعله‌های جنگ جهانی به مدت شش سال به اغلب نقاط جهان، به مدت ۹ سال رقابت‌های المپیک و درواقع همه‌ی فعالیت‌های جهانی ورزشی، به حال تعلیق اجباری درآمد.

با نظر مساعد اعضای کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، هلسینکی نیز مانند توکیو، در سال‌های بعد از جنگ موفق به کسب میزبانی و برگزاری رقابت‌های المپیک تابستانی شد. با این فرق که به دلیل جاماندن فنلاند از صحنه‌ی اصلی معرکه‌ی نبرد و ویرانی و تخریب کمتر از دوران جنگ، انتظار فنلاندی‌ها برای برگزاری مسابقات، کمتر از ژاپن به طول انجامید و پس از المپیک لندن که اولین دوره‌ی بازی‌های پس از جنگ جهانی دوم بود، هلسینکی در سال ۱۹۵۲ برگزارکننده‌ی این رقابت‌ها شد.

المپیک زمستانی ۱۹٤٤: کورتینا دی آمپروزو

همانطورکه گفته شد، موسولینی و ایتالیای فاشیست او تلاش مستمری داشت تا به هر قیمتی، همانند تجربه‌ی موفق ۱۹۳۶ آلمان نازی، در جهت نشان دادن اقتدار سیاسی و اجتماعی و همچنین افزایش وجاهت بین‌المللی و مشروعیت سیاسی خود، موفق به کسب میزبانی رقابت‌های المپیک شود. این تلاش در جهت کسب میزبانی المپیک زمستانی و تابستانی ۱۹۴۰ به دلیل درخشش و برنامه‌ریزی دقیق ژاپنی‌ها ناکام ماند، ولی ایتالیایی‌ها درنهایت در نشست ماه ژوئن، کمیته‌ی بین‌المللی المپیک توانستند میزبانی پنجمین دوره‌ی المپیک زمستانی در سال ۱۹۴۴ را برای شهر کوچک توریستی و کوهستانی و برف‌خیز کورتینا دی آمپروزو به دست آورند. حدود دوماه‌ونیم بعد از این گزینش و کسب میزبانی رقابت‌ها توسط ایتالیا، در اول سپتامبر ۱۹۴۰ و آغاز جنگ جهانی دوم، پس از حمله‌ی ارتش آلمان به لهستانی و سپس تداوم شش ساله‌ی جنگ، هر دو کشور متحد یعنی آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی، بخت برگزاری المپیک زمستانی را در کشورهای خود در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ از دست دادند. گفتنی است نخستین دوره‌ی المپیک زمستانی پس از جنگ جهانی دوم، دوباره به شهر سنت‌موریس در سوییس واگذار و در سال ۱۹۴۸ برگزار شد. کورتینا دی آمپروزو نیز موفق به کسب میزبانی و برگزاری المپیک زمستانی ۱۹۵۶ شد.

المپیک تابستانی ۱۹٤٥: لندن

در همان نشست ژوئن ۱۹۳۹، کمیته‌ی بین‌المللی المپیک تصمیم به برگزاری رقابت‌های المپیک زمستانی ۱۹۴۴ در شهر کورتینا دی آمپروزو در ایتالیا گرفت. شهر لندن، پایتخت بریتانیا نیز برای دومین بار به میزبانی المپیک تابستانی ۱۹۴۴ برگزیده شد. لندن پیش از آن نیز یک بار قبل از وقوع جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۰۸، میزبان و برگزارکننده‌ی المپیک تابستانی شده بود و مسئولان سیاسی و ورزشی بریتانیا از مدتی قبل برای تکرار این تجربه‌ی تا اندازه‌ای موفق خود تلاش می‌کردند. برای کسب میزبانی المپیک تابستانی ۱۹۴۴، لندن رقابت سنگینی را با چندین شهر دیگر پشت سر گذاشت. مهم‌ترین رقبای این شهر برای این امر، به ترتیبِ کسب امتیاز عبارت بودند از: رم (ایتالیا)، دیترویت (آمریکا)، لوزان (سوییس)، آتن (یونان)، بوداپست (مجارستان)، هلسینکی (فنلاند) و مونترال (کانادا). از بین این شهرها، دیترویت لوزان و بوداپست، هنوز موفق به کسب میزبانی المپیک تابستانی نشده‌اند، ولی آتن، هلسینکی و مونترال به تدریج به این هدف دست یافتند. ولی بروز جنگ جهانی دوم، همانطورکه امکان برگزاری مسابقات تابستانی و زمستانی ۱۹۴۰ و رقابت‌های زمستانی ۱۹۴۴ المپیک را از میزبانان برگزیده سلب کرد، مجال انجام آن را از لندن نیز گرفت. با این تفاوت که لابی قوی بریتانیای پیروز در جنگ جهانی و متحدان آن کشور، موفق شد تا لندن جنگ‌زده و گرفتار مشکلات مختلف را از همه‌ی رقبا زودتر به وصال میزبانی المپیک برساند و اولین فرصت برگزاری المپیک تابستانی در سال ۱۹۴۸، به این شهر بارانی و مه‌آلود داده شد. گفتنی است که در سال‌های دو جنگ جهانی، چه در شهرهای جنگ‌زده، چه در مناطق جدا از صحنه‌های نبرد، چه در پادگان‌ها و مراکز نظامی و چه در اردوگاه‌های اسرای جنگی، مسابقات بین‌المللی ابتکاری مختلفی بین نمایندگان کشورهای مختلف برگزار شد که در نوع خود بسیار جالب توجه بودند و دستمایه‌ی آثار ادبی، تاریخی و هنری بسیاری هم بودند. بااین‌همه، به دلیل تعدد و پراکندگی و رسمی نبودن این رقابت‌های ابتکاری، از معرفی و بررسی آنها در این مختصر خودداری کردم.

اکنون ۶۷ سال از پایان جنگ جهانی دوم سپری شده است. در این مدت، جنگ‌های زیادی در جهان رخ داده، ولی هنوز دنیا یک جنگ فراگیر دیگر را تجربه نکرده است. از این نظر، المپیک‌ها توانسته‌اند به یک ثبات مطلوب دست یابند. سوای میزبانی المپیک، نتیجه‌ای که از جهات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عاید شهرها و کشورهای مختلف میزبان شده، یکسان نبوده است. برگزاری المپیک برای برخی از این کشورها فرصتی مغتنم و دارای نتایج مثبت بوده و برای برخی دیگر چالشی ناگوار با تبعات منفی. این امر نیازمند یک بررسی جدی و البته در مجال و فضایی دیگر است.

